

بررسی دیدگاه مفسران فریقین در باره نسخ آیه صلح

محیا پوریزدان پناه کرمانی*

سیده سعیده غروی**

چکیده

دیدگاه اسلام در باره صلح مسلمانان با دیگران حتی کافران در آیه ۶۱ سوره انفال؛ معروف به آیه صلح، نمود یافته است. مفسران فریقین در تبیین آیه شریفه و بیان مراد الهی اختلاف نظر دارند که حاصل سخن ایشان در دو دیدگاه در مقاله ارائه شده است. برخی معتقدند این آیه مختص اوائل هجرت پیامبر اکرم ﷺ بوده است. در آن دوران به دلیل قدرت اندک مسلمانان، دستور الهی به صلح و إغماض از عملکرد دشمنان تعلق گرفته و بعد از قدرتمندی مسلمانان این آیه نسخ شده است. در مقابل بعضی دیگر از مفسران به دلیل تفاوت در نوع مخاطب آیات و محدود و موقت بودن آیه شریفه، حکم آیه را جاری دانسته و اعتقاد به نسخ در این آیه را منتفی می‌دانند. نظر نگارندگان در این مقاله که با روش تحلیلی توصیفی و با رویکرد داوری تنظیم شده بر آن است که هر چند آیه شریفه نسخ نشده اما کفار معاند مشمول حکم آیه نبوده و صلح با غیرکفار نیز مشروط به مصلحت مسلمانان است.

واژگان کلیدی

آیه ۶۱ انفال، آیه صلح، نسخ.

pourmahya@chmail.ir
saedehegharavi@qom.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۴

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.
**. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

طرح مسئله

صلح در ادبیات قرآنی با واژه «سَلِمَ» بیان شده است. صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام در سه محور خانوادگی، جامعه ایمانی و جامعه جهانی تبیین شده است که در مقاله حاضر، مورد اخیر از منظر قرآن کریم و دیدگاه مفسران فریقین مورد تبیین قرار گرفته است. شاخص‌ترین آیه در این خصوص ۶۱ انفال است، که خداوند در آن می‌فرماید:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.

«وَإِنْ جَنَحُوا... فَاجْنَحْ» جمله شرطیه و از ماده «جَنَحَ» به معنای میل است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۲۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲ / ۱۱۷) و بال مرغ را هم از آن جهت «جَنَحَ» می‌گویند که مرغ به وسیله آن به یکی از دو طرف خود متمایل و منحرف می‌شود. (طریحی، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۴۷) جَنَحَ با دو حرف «الی» و «لام» متعددی می‌شود لیکن آمدن آن با «لام» بیانگر آن است که قبول صلح از جانب مسلمانان مشروط به گرایش راستین دشمن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ / ۶۵۸) «سَلِمَ» در کتب لغت به معنای صلح، ضد جنگ، اسلام، بری بودن از آفات ظاهری و باطنی آمده است. (فیومی، ۷۷۰: ۲ / ۲۸۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۲۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۲۸۹)

مفسران مطابق سیاق آیه شریفه قدرت نظامی مسلمانان را سبب تمایل دشمن به صلح می‌دانند. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۱۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۵ / ۵۰۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۸۱۸) امر به توکل در ادامه آیه از منظر مفسران بیانگر آن است که چنانچه ادله قطعی که بر خیانت دشمن دلالت می‌کند وجود نداشته و شرایط قرارداد صلح، منطقی باشد رهبر جامعه با توکل بر خدا بدون ترس از خدعه دشمن، پیشنهاد صلح را بپذیرد؛ زیرا خدای متعال آگاه بر گفتگوها و نیات دو طرف بوده و کفایت امور بندگان را می‌کند. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۹ / ۱۵۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۹۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۲۳۰) استخراج نظر اسلام در خصوص صلح مهم‌ترین دلیل توجه مفسران فریقین به این آیه شریفه بوده است. در این میان عده‌ای معتقد به نسخ آیه شریفه با آیات قتال و سیف^۱ بوده و حکم آیه صلح را مختص اوایل هجرت و

۱. در اصطلاح علوم قرآنی به آیه «فَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه / ۲۹) آیه قتال و به آیه «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه / ۵) آیه سیف می‌گویند.

ضعف سپاه اسلام می‌دانند، درمقابل گروهی بر این باورند که آیه‌ای در نسخ آیه صلح نازل نشده است. از این دسته گروهی با استناد به اصل «متحد بودن آیات در موضوع و متضاد بودن حکم در آیات» (معرفت، ۱۴۲۵: ۲ / ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۰) مخالفت خویش را اعلام کرده‌اند و برخی دیگر دلیل آن را محدود و موقت دانستن حکم آیه ۶۱ انفال ذکر کرده‌اند و معتقدند بنابر اصل لزوم استمرار ظاهری داشتن آیه نزد مخاطبین نزول، این آیه شریفه مشمول حکم نسخ نمی‌باشد. (ر.ک: صبحی صالح، ۱۳۷۲: ۲۶۷؛ معرفت، ۱۴۲۵: ۲ / ۲۴۷) این مقاله با بررسی سبب نزول آیه و تبیین نظر مفسران فریقین ذیل آیه مربوطه و واکاوی ادله ایشان با رویکرد دآوری، درصدد استخراج نظر اسلام در خصوص صلح و شرایط آن است.

۱. سبب نزول آیه ۶۱ انفال

سوره انفال از سور مدنی است که در سال دوم هجری و پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر نازل شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۵؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۹ / ۴۳) در برخی تفاسیر اهل سنت به نقل از سدی و مجاهد سبب نزول آیه را «قوم بنی قریظه» ذکر شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰ / ۲۴؛ ابن عربی، بی‌تا، ۶ / ۸۷۶) سیوطی علت این شأن نزول را آیه ۲۹ توبه می‌داند که در آن پذیرش صلح از جانب اهل کتاب منوط به دادن جزیه دانسته شده و با ارجاع آیه ۲۹ توبه به آیه ۶۱ انفال و تخصیص آن به اهل کتاب، اجرای حکم آیه را مشروط به جزیه دانسته است. (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۱۸) آلوسی با نقل این روایت از مجاهد علت این سبب نزول را متصل بودن به آیه ۵۵ انفال ذکر کرده و معتقد است در خصوص بنی قریظه نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۲۳) اما ابن کثیر سیاق آیه را با این قول سازگار نمی‌داند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۳۳۵) و سید قطب نزول آیه شریفه را در قرن دوم و بعد از جنگ بدر می‌داند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۴۵)

اکثر مفسران و اندیشمندان شیعه معتقدند آیه ۶۱ انفال در ادامه وقایع جنگ بدر نازل شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۸۰؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۶۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۶۵۳؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۹۸) نعمانی به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام در تنگنا قرار گرفتن مسلمانان از قدرت و نیروی سپاه قریش را سبب نزول آیه می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹ / ۱۷۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ / ۶۶۸) قمی در تفسیر آیات ابتدایی سوره انفال - که در شرح قصه جنگ بدر است - با اشاره به آیه ۶۱ انفال به تفصیل این واقعه را بدون استناد به راوی آورده است:

در جنگ بدر کفار قریش به قلت لشکریان رسول خدا صلی الله علیه و آله پی بردند، خواستند به روحیه آنها هم پی‌برند، لذا عمیر بن وهب جنه‌ی که سوار شجاعی بود با اشاره ابوجهل و

عتبه بن ربیعہ مأمور شد که به طرف میدان رود و این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. عمیر با اسب خود به طرف میدان تاخت و با صدای بلند مبارز طلبید، پس از اندکی مراجعت کرد. در قبال حماسه عمیر عکس‌العملی از طرف لشکریان اسلام دیده نشد، پنداشتند که مسلمین مرعوب شده‌اند و ابوجهل وقتی دید که عمیر زود برگشته او را به ترس و جبن متهم ساخت که از شمشیرهای مسلمین ترسیده است. اصحاب رسول خدا ﷺ نیز وقتی بسیاری لشکر قریش را دیدند، ترسیدند و این آیه را خداوند برای رسول خویش نازل گردانید. (قمی، ۱۴۰۸: ۱ / ۲۶۳)

نقل دیگری قریب به مضمون فوق در برخی از تفاسیر شیعه ذکر شده است. با این تفاوت که در این نقل، امر به صلح بعد از غلبه ترس بر سپاه ابوجهل به سبب قوی بودن اراده سپاه پیامبر در برابر سپاه قریش ظاهر شده و رسول خدا ﷺ با علم به احوال سپاه حریف، شخصی را نزد سپاه قریش فرستاد تا آنها را دعوت به صلح کند که با وجود تمایل برخی از سپاهیان، این درخواست با مخالفت ابوجهل روبه‌رو شد و جنگ بدر سرانجام با پیروزی بر سپاه دشمن به پایان رسید. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۹۸)

داوری

سبب نزول مطروحه اهل سنت مبنی بر نزول آیه در خصوص قوم بنی‌قریظه، فاقد حجیت لازم است؛ زیرا روایت ذکر شده خبر واحد است و خبر واحد موثق الصدور فقط در احکام شرعی حجیت دارد و در غیر آن اعتبار ندارد. (طوسی، بی‌تا: ۷ / ۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۷۰) از سوی دیگر نزد کسانی که خبر واحد را در روایات تفسیری حجت می‌دانند (لنکرانی، ۱۴۱۳: ۱۷۵ - ۱۷۴؛ خویی، بی‌تا: ۳۹۸) نیز محل اشکال است؛ زیرا دلیلی که مفسران اهل تسنن با استناد به آن، بر این روایت شأن نزول صحه گذاشته‌اند اتصال آیه ۶۱ انفال با آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال / ۵) است که در شأن بنی‌قریظه نازل شده است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۹ / ۱۴۹) با توجه به وجود روایتی دیگر از ابن‌عباس و مجاهد و سعید بن جبیر مبنی بر تعیین سبب نزول آیه در خصوص شش طائفه از یهود (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۴۲) و بنابر اصل «تعدد اسباب نزول و نزول واحد» آیه مورد نظر در بردارنده حکم مواجهه با بنی‌قریظه است، نه آنکه بنی‌قریظه سبب نزول این آیه باشد.

در بررسی روایت سبب نزول منقول در تفاسیر شیعه نیز از نظر دلالت و محتوا دو نکته حائز اهمیت است. یکم، پیشنهاد صلح پیامبر اکرم ﷺ به سپاه قریش به خاطر زدودن ترس و آرام کردن سپاه اسلام با آیاتی که از ترس سپاه دشمن یاد می‌کند، ناسازگار است و با سیاق آیات تناسب ندارد. آیات ۱۲ و ۴۴

سوره انفال^۱ از امدادهای غیبی خدا در جنگ بدر حکایت دارد، خدای متعال در جنگ بدر با کم نشان دادن تعداد دشمنان در نظر مسلمانان و انداختن رعب و وحشت در قلب دشمن اسباب پیروزی ایشان را رقم زد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۲۳)

دوم. امر به صلح در آیه شریفه پس از آمادگی کامل نظامی سپاه است. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِئُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...» (انفال / ۶۰) مؤمنین را به تقویت امکانات دفاعی خوانده تا کفار به خاطر قدرت سپاه اسلام و ضعفی که در خود می‌بینند به صلح تمایل پیدا کنند. (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶: ۴ / ۲۱۳) از این رو قید «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» بیانگر آن است که رعب دشمن از سپاه اسلام کفار را مجبور به صلح می‌کند. پیامبر نیز در جنگ بدر با علم به این ترس سپاه قریش آنها را دعوت به صلح کرد و علی‌رغم موافقت سپاه قریش، ابوجهل با آن مخالف کرد. از این رو اعتقاد به اینکه درخواست صلح پیامبر به خاطر آرام کردن مسلمانان بوده باشد با سیاق آیه ناسازگار است. بنابر آنچه گذشت نقل دوم مفسران شیعه در خصوص سبب نزول، به سیاق آیه نزدیک‌تر است.

۲. امکان سنجی نسخ در آیه صلح

اکثر صاحب‌نظران علوم قرآنی نسخ در قرآن را پذیرفته‌اند اما در تعداد آیات منسوخه در قرآن کریم اختلاف نظر دارند. در خصوص آیه مورد بحث نیز اختلاف نظرهایی در این خصوص مشاهده می‌شود که در دو دسته قابل بررسی است.

نسخ آیه ۶۱ انفال با آیات قتال و سیف

برخی از مفسران فریقین معتقدند که حکم آیه ۶۱ سوره انفال (آیه صلح) نسخ شده است. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۴۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۷۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۸۹؛ دخیل، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۴۱) علامه طباطبایی با استناد به روایات، آیات ۵ و ۲۹ توبه را نسخ حکم آیه صلح می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۳۱) سیوطی از قرآن پژوهان اهل سنت نیز با همین استناد، این دو آیه را نسخ آیه صلح می‌خواند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۱۳) اما بغوی حکم آیه را تنها با آیه سیف منسوخه می‌خواند (بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۰۸) و ابن عطیه اندلسی با نقل روایت از قتاده و حسن بن ابی‌الحسن و عکرمه و ابن‌زید این آیه را تنها با آیه قتال منسوخه می‌داند. (اندلسی، ۱۴۲۲: ۲ / ۵۴۷)

۱. إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغَبَ فَأَنْزِلُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ. (انفال / ۱۲) «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقَاتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ» (انفال / ۴۴)

دلیل این ادعا آن است که آیه صلح و مدارا با کفار و مشرکین خاص اوایل هجرت بوده که تعداد نفرات سپاه اسلام کم و تجهیزات نظامی اندک بوده است. پس از نزول سوره توبه و اقتدار مسلمین، حکم مدارا و صلح با کفار با آیات قتال سیف منسوخ شده است. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۶۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۸۹) در این شرایط، حکم نهایی در مواجهه با مشرکین، قتال تا تسلیم شدن همه آنان تعیین شده است. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۱۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۰۸؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۲ / ۵۴۷)

۲. عدم نسخ آیه ۶۱ انفال

اکثر مفسران فریقین در ارتباط با این دو آیه با اصل قرار دادن این نظر که برای تحقق نسخ باید میان آیه ناسخ و منسوخ تعارض حقیقی وجود داشته باشد (زرقانی، بی تا: ۲ / ۷۰) و در صورتی که دو آیه قابل جمع باشند، نسخ محسوب نمی شود. با رد نسخ، رویه جمع را پیش گرفته اند. ادله این دسته از مفسران در ذکر شروط آیه صلح که باعث تمایز احکام آن با آیات قتال و سیف شده است، بدین شرح است:

یک. متفاوت بودن نوع مخاطب

در تبیین شرایط نسخ این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که نسخ در شرایطی محقق می شود که آیه ناسخ ناظر بر حکم آیه منسوخ باشد. (ر.ک: خویی، بی تا: ۲۷۹) و از آنجا که این اصل به دلیل تفاوت در نوع مخاطب آیه ۶۱ انفال با آیات قتال و سیف محقق نشده است، پس امکان نسخ مردود است. از این منظر آیات ۵ و ۲۹ توبه هر دو در سال ۹ هجری نازل شده اند و حضرت محمد ﷺ بعد از آن با اهل نجران مصالحه فرموده است. (ر.ک: طوسی، بی تا: ۵ / ۱۴۹) از اینجا روشن می شود صلح عمومیت دارد و یک حکم کلی و عمومی را در بردارد که با آیه سیف تخصیص و استثنا خورده است و به اهل کتاب اختصاص پیدا کرده است. (خویی، بی تا: ۳۵۳ - ۳۵۲) از این منظر آیات قتال مختص مواجهه با بت پرستان و آیه ۶۱ انفال مختص رویارویی با اهل کتاب است. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۳ / ۲۹۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳ / ۵۸؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴ / ۳۶۸؛ میرزاخسروانی، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۵۴)

ابن عاشور با ارجاع ضمیر در آیه ۶۱ انفال به آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال: ۵۵) بر این باور است که آیه صلح شامل صنفی از کفار اعم از مشرکین و اهل کتاب است که بعد از نزول آیات سوره توبه حکم آیه به اهل کتاب تخصیص خورده است. (ابن عاشور، بی تا: ۹ / ۱۴۸)

رد نسخ آیه صلح به خاطر تفاوت در نوع مخاطب با توجه به شرایط حاکم بر آیات ناسخ و منسوخ و منطبق نبودن احکام آیه صلح با آیات قتال و سیف بر شرایط نسخ آیات، صحیح است اما تخصیص آیه ۶۱ انفال فقط به اهل کتاب بنا به ادله ای قبول نیست؛ زیرا:

۱. تخصیص آیه ۶۱ انفال به اهل کتاب با استناد به واقعه نجران مستدل نیست؛ زیرا همان طور که در ادامه اثبات می‌شود، موضوع آیه ۶۱ انفال درباره انعقاد صلح است، در حالی که واقعه نجران در سال نه هجرت به وقوع پیوسته است و در حیطه احکام جزیه قرار می‌گیرد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۲۸) از این رو با توجه به تفاوت موضوعی دو واقعه نمی‌توان مخاطب آیه صلح را مطابق واقعه نجران مختص به اهل کتاب سنجید.

۲. جنگ با مشرکان در آیه ۵ سوره توبه مطلق آمده است و همه کفار را شامل می‌شود اما با مخاطب‌شناسی آیه «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه / ۱۲) معلوم می‌شود که آیات قتال شامل محاربان دولت اسلامی می‌شوند که در عصر نبوی، بت‌پرستان حجاز بوده‌اند و تمایل به صلح نداشتند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۶۰) اما در آیه ۶۱ انفال صحبت از انعقاد قرارداد صلح با کفار مشروط به تمایل کفار به صلح آمده است. (طیب، ۱۳۷۸: ۶ / ۱۵۳) که مخاطب آیات قتال طیف خاصی از کفار هستند که با مسلمانان عناد دارند و نقض عهد می‌کنند، در نتیجه کفار حربی از حکم آیه صلح خارج می‌شود و امر به صلح مختص به کفار غیرعنود است.

دو. مصلحت سنجی حاکم اسلامی

این دسته از مفسران با حکم به محدود و موقت بودن آیه ۶۱ انفال به رد ادعای نسخ روی آورده‌اند. دلیل این امر آن است که از منظر دانشمندان علوم قرآنی، نسخ آیه در صورتی محقق می‌شود که آیه منسوخه ظهور و استمرار ظاهری در حکم داشته باشد که با نزول حکم بعدی ملغی شود، بنابراین اگر حکم از اول محدود و موقت باشد یا تابع شرایط خاص باشد، لغو آن حکم یا برطرف شدن شرایط خاص، نسخ محسوب نمی‌شود. (ر.ک: صبحی‌صالح، ۱۳۷۲: ۲۶۷؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۴۷) با توجه به شرط مصلحت امت اسلامی در جریان حکم آیه صلح از منظر بعضی از مفسران (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۱۵ / ۵۰۰) و مقید دانستن مصلحت، به شروطی از جمله کثرت نیروهای کافر و ضعف سپاه اسلام از سوی دیگران (ر.ک: خوبی، بی‌تا: ۳۵۳ - ۳۵۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۷۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۳۳؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۵ / ۲۲۲؛ بروسوی، بی‌تا: ۳ / ۳۶۶؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۵ / ۵۶ - ۵۵) پذیرش نسخ در آیه شریفه را با خدشه مواجه می‌سازد، به‌خصوص آنکه بعضی از مفسران فریقین، مصلحت را منوط به تشخیص امام جامعه می‌دانند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۳۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۸۲؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۹؛ حسینی‌شیرازی، ۱۴۲۴: ۲ / ۳۵۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۵۹؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ / ۶۶۳)

آیت‌الله جوادی‌آملی با استناد به آیه ۱۲۵ نحل و ۴۶ عنکبوت معتقد است: امام و امت باید نخست مردم را با جدال احسن به دین حق فرا خوانند، آنگاه اگر کافران در برابر گسترش دین مانع‌سازی کردند،

گزینه جنگ مطرح می‌شود. مطابق این نظر، حاکم جامعه اسلامی عهده‌دار تشخیص این امر و امضای صلح است؛ زیرا کاربرد واژه «فَاجْنَحْ» به جای «فَاجْنَحُوا» دلالت بر آن دارد که تصمیم‌گیر نهایی برای اجرای صلح حاکم اسلامی است. او باید مطابق فرمان قرآن نخست با براهین، آنها را دعوت به مسالمت کند؛ در صورتی که آنها تمایل نشان دادند، درخواستشان را اجابت کند در غیر این صورت و با توجه به مصلحت جامعه اسلامی به جنگ با ایشان فرمان دهد. (ر.ک: جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ / ۶۶۳) آیت الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر تشخیص حاکم اسلامی، آن را تبلیغی مثبت برای نظامی می‌خواند که به کافران پیشنهاد صلح می‌کند و آن را نشانه قدرت حاکم اسلامی می‌داند که موجب هراس و ترک میدان کافر جنگی می‌شود. (ر.ک: حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۰۹ - ۹)

داوری

نسخ در آیه شریفه با توجه به دو دیدگاه مطروحه به قرار ذیل قابل تحلیل و داوری است. در خصوص آیه ۵ سوره توبه، ضمیر خطاب «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ...» بر طبق آیات مقید سوره توبه، مختص مشرکان عهدشکن است و غیر آن را از حکم جهاد ابتدایی خارج می‌کند. از جمله در آیه ۸ توبه که خدای متعال در آن می‌فرماید: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» مفهوم کلی آیه این است که مشرکان اگر بر مسلمانان دست یافتند هیچ عهد و میثاقی را رعایت نمی‌کنند؛ مسلمانان را با گفتار فریبنده نیکو راضی نگه می‌دارند اما دلشان از این مطالب ابا دارد و بیشترشان فاسق‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۵۷) دلیل دیگر بر حربی بودن مشرکان آیه ۱۳ سوره توبه است که خدای متعال در ضمن آن می‌فرماید: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ اتَّخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» مفهوم آیه این است که کفر و شرک علت قتال نیست بلکه پیمان‌شکنی و آزار و اذیت پیامبر ﷺ علت قتال است. در نتیجه می‌توان گفت حکم به جهاد به کفاری مربوط می‌شود که نقض عهد کرده‌اند و همه مشرکان را در بر نمی‌گیرد. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰ / ۱۲۸) بر این اساس آیه ۵ سوره توبه چنین معنا می‌شود:

مشرکان پیمان‌شکن را که کفری می‌ورزند پس از پایان مهلت چهار ماهه هر جا یافتید بکشید، اسیر کنید و محاصره نمایید و در کمینشان بنشینید و اگر توبه کردند رهایشان کنید. اینان تا ایمان نیآورده‌اند، مجازاتشان همین است. (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۶ - ۷۶)

در خصوص آیه ۲۹ سوره توبه، مفسرانی که به قتال تا پرداخت جزیه از سوی اهل کتاب حکم

کرده‌اند، اغلب «من» را در «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...» به‌طور مطلق شامل همه اهل کتاب؛ اعم از یهود و مسیحی دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۲۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۰۸) که با توجه به شأن نزول آیه مشخص می‌شود مراد آیه از قتال، آن دسته از اهل کتابی است که سر ناسازگاری با حکومت اسلامی دارند؛ زیرا آیه شریفه در آستانه جنگ تبوک نازل شده که هرقل با کشتن فرستاده پیامبر مخالفت خود را با دعوت پیامبر اعلام کرده بود. (طبرسی، ۱۴۱۳: ۵ / ۳۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۲۸) بر این اساس با اهل کتاب که خواستار مسالمت با مسلمانان هستند، نباید جنگید.

روایات حاکی از نسخ در آیه صلح، خبر واحد هستند و خبر واحد بنا بر دیدگاه بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی در نسخ آیه، حجت نیست. (ر.ک: خوبی، بی‌تا: ۲۰۶؛ صبحی‌صالح، ۱۴۱۳: ۲۳۷) سند این روایات نیز به معصوم ختم نمی‌شود - که در اصطلاح موقوف یا مقطوع گفته می‌شوند - که با معیارهای مورد پذیرش شیعه منطبق نبوده و مورد پذیرش نیست. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۶۹: ۳۵)

حکم آیه ۶۱ انفال نسخ نشده است و موقوف به شرایطی است که از آن به «مصلحت» تعبیر می‌شود. (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۰ - ۹) از جمله در صورت وجود دلایل قطعی نقض عهد از جانب کفار، می‌توان پیمان صلح را با اعلام قبلی شکست (انفال / ۵۸) و در صورتی صلح پایدار است که کفار تمایل راستین به انعقاد صلح داشته باشند (انفال / ۶۱) و نیز نشانگر سستی در برابر کفار نباشد. (محمد / ۳۵) تحمل ذلت از سوی مسلمانان در پذیرش صلح با توجه به ظرف مکان و زمان، مصادیق متفاوتی را شامل می‌شود که گاه صلح ابتدایی از جانب مسلمانان را در صورت قریب بودن پیروزی سپاه اسلام در بر می‌گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۲ / ۶۶۳) و گاه مشمول استجاب دعوت صلح کفار در صورت برتر بودن سپاه اسلام می‌باشد. (خوبی، بی‌تا: ۳۵۳ - ۳۵۲؛ ابن‌عربی، بی‌تا: ۶ / ۸۷۶) بنابراین حکم آیه ۶۱ انفال در صدد بیان اصل مشروع بودن صلح است و شروط ذکر شده در سایر آیات بیانگر حکم محدود و موقت آیه صلح است.

نتیجه

مقاله حاضر که در صدد تبیین دیدگاه اسلام در خصوص صلح با کفار تنظیم شده است با بررسی آیه صلح و دیدگاه مفسران فریقین به نتایج ذیل دست یافته است:

آیه ۶۱ سوره انفال به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با کفار امر می‌کند و برخلاف دیدگاه برخی مفسران با آیات قتال و سیف که بر جهاد دلالت دارند، نسخ نشده است. مراد از ضمیر «جنحوا» در آیه صلح، کفاری هستند که تمایل به صلح دارند، درحالی که آیات قتال و سیف امر به قتال را متوجه کفار معاند

می‌داند بنابراین به دلیل اختلاف در نوع مخاطب از شرط لازم برای نسخ برخوردار نبوده از حیثه نسخ خارج است.

تخصیص آیه صلح به اهل کتاب به دلیل حکم آیه ۲۹ سوره توبه پذیرفتنی نیست؛ این امر بدین جهت است که معاهده و جزیه دو امر جداگانه بوده، در نتیجه امر به صلح در این آیه مشروط به جزیه نیست. امر به صلح در آیه ۶۱ سوره انفال و امر به جهاد در آیات قتال و سیف مستلزم شروطی است که مصلحت مسلمین را تضمین می‌کند از این رو حکم این دو آیه به دلیل اینکه بیانگر ظهور و استمرار در قانون نیستند از حیثه نسخ خارج می‌شوند. بنابراین شرط صلح با کافر، تأمین مصلحت مسلمین در صورت تمایل کفار است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تصحیح علی عبدالجباری عطیه، ج ۵، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، ج ۹، بی جا، بی نا.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، بی تا، أحكام القرآن، تحقیق علی محمد بجاوی، ج ۶، بیروت، دار الجیل.
- ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، ج ۲ و ۱۲، بیروت، دار الفکر.
- اندلسی، ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران، بنیاد بعثت.
- بغوی، حسین، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدی، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، احمد، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق ابومحمد بن عاشور، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تفسیر تسنیم، تحقیق سعید بندعلی، ج ۳۲، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن عباد، ۱۴۰۷، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، ج ۲، بیروت، دار العلم الملايين.
- حسینی جرجانی، امیر ابوالفتح، ۱۳۶۲، آیات الأحکام، تحقیق میرزا ولی الله اشراقی سرابی، ج ۲، تهران، نوید.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۶، «مهادنه ترك مخاصمه و آتش بس»، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، ش ۱۲ - ۱۱، ص ۵۸ - ۱۳، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، تفسیر اثنا عشری، ج ۴، تهران، میقات.
- حسینی شیرازی، محمد، ۱۴۲۴ ق، تفسیر تقریب القرآن إلى الأذهان، ج ۲، بیروت، دار العلوم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، قم، اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم، بی تا، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- دخیل، علی بن محمد علی، ۱۴۲۲، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ج ۱، بیروت، دار التعارف.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، ج ۱۱ و ۱۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج ۵ و ۱۰، بیروت، دار الفكر المعاصر.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۲۲ ق، تفسیر الوسیط، ج ۱، دمشق، دار الفكر.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، بی تا، مناہل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۲، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۶۹، کلیات فی علم الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۳، بیروت، دار التعارف.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، ج ۳، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱ و ۳، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

- صبحی صالح، ابراهیم، ۱۴۱۳ ق، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸، قرآن در اسلام، تصحیح هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۳ ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، ج ۴ و ۵، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۳ ق، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، ج ۳، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، ج ۱ و ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، تهران، نشر اسلام.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق سید محمد قاضی، ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، ج ۳ و ۷، قم، هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، قم، دار الهجرة.
- قاسمی، محمد جمال الدین، ۱۴۱۸ ق، محاسن التأویل، ج ۵، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر أحسن الحدیث، ج ۴، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۸ ق، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، ج ۱، قم، دار الکتب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، ج ۴، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ ق، زبدة التفاسیر، ج ۳، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، ج ۱۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، تفسیر الجلالین، ج ۱، بیروت، مؤسسه النور.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، جهاد، قم، صدرا.

- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسی، حسین یوسف، عبدالفتاح صعیدی، بی تا، *الافصاح فی فقه اللغة*، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- میرزا خسروانی، علی رضا، ۱۳۹۰، *تفسیر خسروی*، محقق محمدباقر بهبودی، ج ۳، تهران، انتشارات اسلامی.
- نیشابوری، نظام الدین، ۱۴۱۶، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق زکریا عمیرات، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، ج ۱، بیروت، دارالقلم.

